

Rendering an enforceable award, duty, obligation, or responsibility of the arbitrator

 **Hamid Reza Nik Bakht**

Professor in International Commercial Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
hr-nikbakht@sbu.ac.ir

 **Ali Ali Dadi deh Kohneh**

Ph.D Student in Private Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (Corresponding Author)
alidadi120@gmail.com

Abstract


The parties of the arbitration hope that their dispute will be resolved by the award of the trusted arbitrator, and the arbitrator also expects the parties to voluntarily implement the issued award, even if reluctantly, due to the trust the parties have in him. The parties to the arbitration, whose criteria for selecting the arbitrator were credibility and reliability, after issuing the award, focus on observing the legal provisions in the issued award, and the party that loses, citing the inconsistency of the award with the Acts that create rights and other grounds for objection, tries to annul the arbitrator's award or prevent its implementation. An award that is not annulled and the court issues an enforcement order for it upon the request of the convicted party, is a mandatory enforceable award, but based on existing laws and regulations, there is no irrevocable award,

and the arbitrator's award is annulled or void based on Article 489 of the Code of Civil Procedure or Articles 33 and 34 of the International Commercial Arbitration Act. The results of the research showed that the Code of Civil Procedure and the International Commercial Arbitration Act of Iran do not mention the issuance of an enforceable award as a legal obligation of the arbitrator; the relationship between the arbitrator and the parties is moral and legal, so without the need for a contract to be concluded between the arbitrator and the parties, the arbitrator, after accepting the arbitration, is obliged to issue and submit the award on the due date and, morally, must make his maximum effort to issue an award that, the court enforces it, otherwise he may be held liable. In addition to the fact that the arbitrator is not obliged by law to issue an enforceable award, he cannot promise not to revoke the award by contract because this obligation is beyond his power and impossible to fulfill. Therefore, according to Article 232 of the Civil Code, this obligation is void; However, the arbitrator may undertake to pay damages to the plaintiff if the award is annulled or not enforced.

KeyWords : Arbitrator's Duties, Arbitrator's Obligations, Arbitrator's Liability. Arbitrator's Contract, Enforceable Award, Annulment of the arbitrator's Award, Irrevocable Award.



صدور رأی قابل اجرا، تعهد، تکلیف یا مسئولیت داور

حمیدرضا نیکبخت 

استاد گروه حقوق تجارت بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

hr-nikbakht@sbu.ac.ir

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

علی‌دادی ده‌کهنه 

alidadi120@gmail.com



چکیده

طرفین داوری امید دارند اختلافشان با رأی و نظر داور معتمد خاتمه یابد، داور نیز انتظار دارد به‌واسطه اعتمادی که طرفین به او دارند، رأی صادره را به‌صورت اختیاری ولو با اکراه اجرا کنند؛ طرفین داوری که ملاکشان در انتخاب داور، اعتبار و وثاقت بوده است پس از صدور رأی، توجهشان معطوف به رعایت مقررات قانونی در رأی صادره می‌شود و طرفی که محکوم شده با استناد به مغایرت رأی با قوانین موجود حق و سایر موجبات اعتراض، تلاش می‌کند تا رأی داور را ابطال نموده یا از اجرای آن جلوگیری کند؛ رأیی که ابطال نشود و دادگاه به درخواست محکوم‌له برای آن اجرائیه صادر کند، رأی قابل اجرای اجباری است اما بر اساس قوانین و مقررات موجود رأی غیرقابل ابطال وجود ندارد و رأی داور بر اساس ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی یا مواد ۳۳ و ۳۴ قانون داوری تجاری بین‌المللی قابل ابطال یا باطل است.

دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق خصوصی
پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۲ | شماره ۴ | پاییز و زمستان ۱۴۰۴
(مقاله پژوهشی)

www.jpil.illrc.ac.ir

DOI:

10.22034/jpil.2025.2068271.1247

نتایج پژوهش نشان داد قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران، صدور رأی قابل اجرای اجباری را به‌عنوان تکلیف قانونی داور ذکر نکرده‌اند؛ رابطه میان داور و طرفین یک رابطه اخلاقی و قانونی است لذا بدون آنکه لازم باشد قراردادی میان داور و طرفین منعقد گردد، داور پس از قبول داوری، مکلف به صدور و تسلیم رأی در موعد مقرر است و به لحاظ اخلاقی باید حداکثر تلاش خود را برای صدور رأیی بنماید که در صورت اعتراض، ابطال نشده و دادگاه آن را اجرا کند در غیر این صورت ممکن است موجبات مسئولیت او فراهم آید. علاوه بر اینکه داور به‌موجب قانون تکلیفی برای صدور رأی قابل اجرا ندارد به‌موجب قرارداد نیز نمی‌تواند ابطال نشدن رأی و اجرای آن را تعهد نماید زیرا این تعهد از قدرت او خارج و انجام آن نامقدور می‌باشد لذا بر اساس ماده ۲۳۲ قانون مدنی این تعهد باطل است؛ باوجوداین، داور می‌تواند متعهد شود که در صورت ابطال رأی صادره یا عدم اجرای آن، خسارات وارده به محکوم‌له را بپردازد.

کلیدواژه‌ها: تکالیف داور، تعهدات داور، مسئولیت داور، قرارداد داور، ابطال رأی داور، رأی قابل اجرا، رأی غیرقابل ابطال.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

داوری یک روش خصوصی حل و فصل اختلافات است که به طرفین اجازه می‌دهد بدون مراجعه به دادگاه، اختلاف خود را نزد داور حل و فصل نمایند؛ داور که شخصی عادی است ممکن است تحصیلات حقوقی نیز نداشته باشد (نیکبخت، آیین داورى ۱۴۰۲: ۱۰۳)؛ قرارداد ارجاع به داورى یک عقد لازم و معین است که تعریف، اوصاف، شرایط شکلی و شرایط صحت آن در قانون داورى تجارى بین‌المللى و باب هفتم قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی (مواد ۴۵۴ تا ۵۰۱) که قانون داورى ملی محسوب می‌شود آمده است (نیکبخت، داورى اختلافات مدنى بازرگانى ۱۴۰۲: ۱۱۴).

مجرای اعمال قانون داورى تجارى بین‌المللى جایی است که داورى بین‌المللى^۱ است و اختلاف نیز در روابط تجارى باشد^۲ و سایر داورى‌ها خواه عنصر بین‌المللى یا خارجى در آن‌ها باشد یا نباشد تحت حاکمیت قانون آیین دادرسی مدنى هستند. لازم به ذکر است که تا سال ۱۳۷۶ کلیه داورى‌ها بدون آنکه تفکیکی میان آن‌ها باشد تابع قانون آیین دادرسی مدنى ۱۳۱۸ بودند.

هر دو قانون داورى تجارى بین‌المللى و قانون آیین دادرسی مدنى، رأی داور را قابل ابطال دانسته و هیچ یک داور را مکلف به صدور رأی قابل اجرا ندانسته‌اند اما تکالیفی برای داور وضع نموده‌اند که با انجام صحیح آن‌ها از احتمال ابطال رأی داور کاسته شده و رأی صادره قابل اجرا می‌گردد.

با سکوت قانون در خصوص تعهد داور به صدور رأی قابل اجرا، ممکن است طرفین و داور با انعقاد قرارداد، تمهیداتی جهت صدور رأی قابل اجرا ببیندیشند.

^۱ بند ب ماده ۱ قانون داورى تجارى بین‌المللى.

^۲ بند ۱ ماده ۲ قانون داورى تجارى بین‌المللى.

برای روشن شدن تکلیف یا تعهد داور و مسئولیت او نسبت به صدور رأی قابل اجرا، ابتدا ماهیت رابطه حقوقی طرفین با داور بررسی شده، سپس تکالیف و تعهدات مفروض داور مشخص می‌گردند. از آنجاکه موضوع این مقاله صدور رأی قابل اجراست، لازم است انواع رأی داور و روش‌های اجرای آن نیز بررسی شود.

پس از مشخص شدن تکالیف یا تعهدات داور و مفهوم رأی قابل اجرا به بررسی امکان تعهد داور به صدور رأی قابل اجرا یا تضمین اجرای رأی صادره به‌موجب قرارداد داور پرداخته می‌شود.

گرچه هر شخصی با هر مرتبه از سواد و تحصیلات می‌تواند داورى کند (نیکبخت، آیین داورى ۱۴۰۲: ۱۶)، اما داور به‌عنوان کسی که با فرایند قانونی ابطال یا اجرای رأی صادره بیگانه نیست، می‌تواند در جلوگیری از ابطال رأی یا اجرای آن نقش داشته باشد به‌ویژه اینکه ابطال یا عدم اجرای رأی ممکن است موجبات مسئولیت هر داورى را فراهم آورده یا او را مکلف به رسیدگی مجدد^۱ نماید لذا پس از بررسی نقش داور در ابطال و اجرا، تکلیف و مسئولیت داور پس از ابطال یا عدم اجرای رأی صادره نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- رابطه حقوقی طرفین با داور

اساس داورى، توافق طرفین برای ارجاع اختلاف به داورى است که به آن قرارداد داورى گفته می‌شود و داور در انعقاد آن نقشی نداشته و رابطه‌اش با طرفین اختلاف تابع آن نیست.

رابطه داور با طرفین اختلاف اولاً یک رابطه اخلاقی است که در آن فکر سودجویی و کسب منفعت وجود ندارد بلکه هدف، حل و فصل اختلاف به‌صورت مسالمت‌آمیز و صلح‌جویانه است که در اسلام به‌عنوان اصلاح ذات‌البین به آن سفارش شده و از مکارم اخلاقی

^۱ ببینید: بند ۲ ماده ۳۳ قانون داورى تجارى بین‌المللى.

محسوب می‌شود، ثانیاً یک رابطه قانونی است که به‌موجب قانون، داور با قبول داوری مکلف به صدور رأی می‌شود.^۱ رابطه داور و طرفین اختلاف که الزاماً یک رابطه اخلاقی و قانونی است ممکن است جنبه قراردادی نیز پیدا کرده و تابع قراردادی تحت عنوان «قرارداد داور»^۲ یا «قرارداد انجام داوری» نیز قرار گیرد.

پس از انعقاد موافقت‌نامه داوری، طرفین و داور می‌توانند در قرارداد داور حقوق و تعهداتشان را در مقابل یکدیگر تعیین نمایند؛ از نظر ماهیتی، این قرارداد ممکن است به قرارداد وکالت، وکالت در حل اختلاف، قرارداد خدمات، قرارداد استخدام و اجاره اشخاص تشبیه شود، اما تفاوت‌هایی نیز میان آن‌ها وجود دارد که در ادامه به بررسی آن می‌پردازیم. در قرارداد استخدام، جایگاه مستخدم پایین‌تر از کارفرما بوده و ملزم به تبعیت از او است در حالی که داور در صدور رأی تابع نظر طرفین نبوده و طبق نظر خودش رأی صادر می‌کند لذا نمی‌تواند مستخدم تلقی شود؛ در قرارداد وکالت نیز موکل به وکیل اعطای نیابت می‌کند و تشبیه قرارداد انجام داوری به آن محل اشکال است (خاکپور؛ اسکینی؛ بهمنی، ۱۳۹۸: ۷-۵)، موکل شخصاً باید اختیار انجام موضوع وکالت را داشته باشد تا بتواند به وکیل نیابت انجام آن را بدهد و چون هیچ‌یک از طرفین اختلاف نمی‌توانند شخصاً در اختلافی که یک طرف آن هستند داوری کنند، انجام داوری را به داور نیز نمی‌توانند توکیل کنند.

موکل می‌تواند به وکیل اختیار دهد تا اختلافش با شخص ثالث را به نمایندگی از او حل و فصل کند و این را نمایندگی یا وکالت در حل اختلاف گویند که ماهیت آن با انجام داوری متفاوت است؛ وکیل یا نماینده در حل اختلاف، رأی صادر نکرده و فقط با طرف مقابل مذاکره یا میانجیگری می‌کند که با داوری متفاوت است. قرارداد انجام داوری با

^۱ ماده ۴۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی.

^۲ Arbitrator's Contract.

قرارداد اجاره اشخاص نیز متفاوت است چون در قرارداد اجاره اشخاص، مستأجر در ازای پرداخت اجرت، مالک منافع اجیر می‌شود و هدف طرفین مبادله منافع اجیر با اجاره‌بهاست درحالی‌که میان عمل داور و حق الزحمه او رابطه معاوضی وجود نداشته و طرفین مالک منافع داور نمی‌شوند و داور می‌تواند به‌صورت رایگان نیز داوری کرده یا حق الزحمه‌اش مسکوت بماند بدون اینکه به اعتبار قرارداد انجام داوری خدشه‌ای وارد شود (سلیمی، ۱۴۰۱: ۴۲۴-۴۲۷).

قرارداد خدمات نیز قراردادی است که یک طرف (ارائه‌دهنده خدمت) در مقابل طرف دیگر (دریافت‌کننده خدمت) انجام خدمتی را در قبال اجرت معین به عهده می‌گیرد (2009: 792). Von Bar, Clive) و با وجود شباهت کار داور به ارائه‌دهنده خدمات، این تفاوت میان آن‌ها وجود دارد که در قرارداد خرید خدمت، همواره برای کارفرما نفع وجود دارد اما در داوری، برای طرفی که محکوم می‌شود نه‌تنها نفعی موجود نیست بلکه ضرر نیز بر او تحمیل می‌شود (سلیمی، ۱۴۰۱: ۴۱۸ و ۴۲۲).

با در نظر گرفتن آنچه گفته شد، قرارداد انجام داوری را باید یک قرارداد خاص دانست که با همه عقود از پیش شناخته‌شده متفاوت است (خاکپور؛ اسکینی؛ بهمنی، ۱۳۹۸: ۵-۸).

۲- تکالیف و تعهدات داور و طرفین

تکالیف داور می‌توانند از قوانین ملی، عهده نامه‌های بین‌المللی، قواعد داوری و تعهدات اخلاقی ناشی شوند (Onyema 2010: 120) و به نظر می‌رسد داور اصولاً تعهد قراردادی نداشته و فقط دارای وظایف یا تکالیف قانونی است؛ وظایف قانونی داور شامل صدور رأی موجه و مدلل^۱ در موعد معین^۲ با رعایت مقررات داوری^۳ و تسلیم آن به دادگاه صالح^۴ است

^۱ ماده ۴۸۲ قانون آیین دادرسی مدنی.

^۲ تبصره ماده ۴۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی.

^۳ ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی مدنی.

^۴ ماده ۴۸۵ قانون آیین دادرسی مدنی.

و به لحاظ اخلاقی نیز داور متعهد است حداکثر تلاش^۱ خود را با حسن نیت^۲ و عدم سوءنیت^۳ برای حل اختلاف بنماید و این اصول اقتضا دارند طرفین اختلاف و داور برای رسیدن به هدف غایی، با یکدیگر درنهایت جدیت، صداقت و شفافیت همکاری نمایند (باریکلو؛ خزایی، ۱۳۹۰: ۶۴).

داور در صدرور رأی باید موارد فوق را رعایت نماید و نادیده گرفتن هر یک از آن‌ها به معنی نقض تعهد به حداکثر تلاش است؛ در مقابل، رعایت آن‌ها موجب پذیرش رأی توسط محکوم‌علیه و افزایش امکان اجرای اختیاری آن توسط او یا اجرای اجباری رأی توسط دادگاه ملی است.

داور با قبول داوری، به حکم قانون و بدون اینکه نیاز به انعقاد قرارداد داور باشد مکلف به انجام داوری و صدرور رأی می‌شود^۴ اما طرفین و داور ممکن است با رعایت قانون مدنی (که رعایت آن در موافقت‌نامه داوری لازم نبود) قرارداد انجام داوری منعقد نموده و تعهداتی برای هر یک از طرفین و داور ایجاد کنند اما تکلیف اصلی داور که صدرور رأی است به حکم قانون ایجاد شده و انعقاد قرارداد داور نیز باعث تغییر ماهیت قانونی این تکلیف به تعهد قراردادی نمی‌شود. ضرورتی برای انعقاد قرارداد داور وجود ندارد، انعقاد آن غیرمعمول است و دو قانون آیین دادرسی مدنی و داوری تجاری بین‌المللی قرارداد داور را به رسمیت نشناخته‌اند اما مصداقی از آن در خصوص تعیین حق الزحمه داور در ماده ۵۰۰ قانون آیین دادرسی مدنی به رسمیت شناخته شده است.

اساسی‌ترین تکلیف داور یعنی صدرور رأی که پس از قبول داوری به حکم قانون برای او ایجاد می‌شود، تعهد به نتیجه بوده و صرف تلاش داور برای حل اختلاف کافی نیست بلکه با

¹ Duty of Best Effort.

² Good Faith.

³ Bad Faith.

⁴ ماده ۴۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی.

صدور و تسلیم رأی است که تکلیف داور اجابت می‌شود (میرشکاری؛ سلیمی، ۱۳۹۷: ۷۴۶-۷۴۴ و ۷۵۲-۷۵۵) اما این به معنای تضمین اجرای رأی نیست. پرداخت حق الزحمه داور که تعهد اصلی طرفین اختلاف است نیز تعهد به نتیجه بوده و طرفین با پرداخت دستمزد داور (در صورت عدم تبرع داور) بری می‌شوند؛ بنابراین تکالیف و تعهدات اصلی داور و طرفین با صدور و تسلیم رأی توسط داور و پرداخت دستمزد او توسط طرفین است که اجرا می‌شوند نه صرف تلاش برای انجام آن‌ها (Onyema 2010: 119 & 132 & 174).

از آنجا که تکلیف داور به حل اختلاف با صدور رأی، یک تکلیف مستمر است که داور در تمام مدت داوری مشغول انجام آن است، اگر با وجود انجام بخشی از فرایند داوری، داور نتواند رأی را در مدت مقرر صادر و تسلیم کند، تکلیفش را انجام نداده و مستحق هیچ حق الزحمه‌ای نیست مگر اینکه در قرارداد داور یا قرارداد حق الزحمه داور (که مصدقی از قرارداد داور است) خلاف آن توافق شده یا در داوری سازمانی، مقررات سازمان، پرداخت حق الزحمه داور را بر اساس ساعت کارکرد او یا روشی دیگر مقرر داشته باشد.

با جمع مواد ۵۰۰ قانون آیین دادرسی مدنی، که قرارداد حق الزحمه داور را برای طرفین منعقد کننده آن لازم‌الاجرا دانسته و ماده ۴۷۳ قانون مذکور که انجام داوری و صدور رأی را پس از قبول داوری برای داور الزامی دانسته است، اگر طرفین مطابق ماده ۴۷۲ همان قانون داور را عزل کنند نیز مکلف به پرداخت حق الزحمه او مطابق قرارداد حق الزحمه هستند.

یک نوع از تعهدات، تعهد به حداکثر تلاش است که در آن صرف رفتار متعارف کفایت نکرده و متعهد باید تمام تلاش خود را برای حصول نتیجه‌ای معین بدون هیچ قصوری بنماید مانند تعهد پزشک به درمان بیمار (خورسندیان؛ امیری، ۱۳۹۷: ۱۲۷-۱۳۱). تعهد داور به حل و فصل اختلاف با صدور رأیی که قابل ابطال نباشد نیز مصداق تعهد به حداکثر تلاش است و اگر با وجود حداکثر تلاش داور، رأی صادره ابطال شود داور اصولاً مستحق دریافت

کامل هزینه داوری است مگر اینکه داوری را رایگان انجام داده یا قبول کند که در صورت ابطال رأی، هزینه‌ای از طرفین دریافت نکند یا اگر دریافت کرده باشد آن را مسترد نماید اما این موارد خلاف عرف بوده و تنها در صورت تصریح در قرارداد داور معتبر است. در قانون آیین دادرسی مدنی و قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران حکمی در خصوص تعهد یا عدم تعهد داور به صدور رأی قابل اجرای اجباری وجود ندارد اما برخی قواعد داوری بین‌المللی متذکر شده‌اند که داور باید تلاش خود را برای صدور رأی قابل اجرا بنماید مانند ماده ۴۲ قواعد ICC^۱ که داور را ملزم به تلاش برای صدور رأی قابل اجرا در قانون دانسته هر چند این الزام داور به معنی تعهد به نتیجه نیست (Makarenkov, Mesquita, 2024: 1-17). داور حرفه‌ای با علم به این که ممکن است محکوم‌علیه رأی را اجرا نکند اخلاقاً باید تمام تلاش خود را برای صدور رأی قابل اجرای اجباری بنماید اما ضمانت اجرایی برای تعهدات اخلاقی وجود ندارد (Boog, Moss, 2013: 1).

۳- انواع رأی داوری و اجرای آن

۳-۱ انواع رأی داوری

به‌طور کلی دو نوع رأی داوری وجود دارد، رأی داوری داخلی و رأی داوری خارجی و این مفاهیم با مفاهیم داوری داخلی و داوری خارجی متفاوت هستند؛ رأی داوری داخلی رأیی است که در همان کشور محل صدور، درخواست اجرای آن شده باشد اما رأی داوری خارجی رأیی است که در کشوری غیر از کشور محل صدور درخواست شناسایی و اجرای آن شده باشد یا دادگاه اجراکننده، آن را خارجی بداند (نیکبخت ۱۳۹۳: ۲۱). اهمیت تعیین داخلی یا خارجی بودن رأی داوری در تعیین قواعد حاکم بر نحوه اجرای آن است، معمولاً آرای داوری داخلی با پیچیدگی کمتری در اجرا مواجه بوده و اجرای آن‌ها مانند

¹ "In all matters not expressly provided for in the Rules, the Court and the arbitral tribunal shall act in the spirit of the Rules and shall make every effort to make sure that the award is enforceable at law".

اجرای رأی دادگاه است اما آرای داوری خارجی مطابق عهدنامه نیویورک شناسایی و اجرا می‌شوند.

رأی داوری می‌تواند اجرایی یا اعلامی باشد، رأی اجرایی رأیی است که مدلول آن انجام عملی از سوی محکوم‌علیه باشد اما رأی اعلامی مستلزم انجام عملی از سوی محکوم‌علیه نبوده و اجرا به معنای واقعی و مادی در آن مطرح نیست اما اگر این رأی اعلامی که اجرا ندارد، رأی داوری خارجی باشد شناسایی آن می‌تواند مطرح باشد (بختیاروند؛ احمدی، ۱۳۹۷: ۲۹۳-۲۹۰).

رأی الزام‌آور آن است که قابل اعتراض در یک مرجع رسمی مانند دادگاه ملی محل صدور نباشد، بنابراین رأی در مهلت قانونی که قابل اعتراض است، الزام‌آور محسوب نمی‌گردد؛ رأی نقض شده یا معلق شده نیز آن است که در کشور محل صدور ابطال شده و قابل اجرا نباشد؛ باوجوداین دادگاه کشور محل اجرا (کشوری غیر از محل صدور و ابطال) می‌تواند این رأی را اجرا کند و تصمیم دادگاه یک کشور در خصوص اجرا یا عدم اجرای رأی داور، حق و تکلیفی برای دادگاه کشور دیگر ایجاد نکرده و ممکن است رأی داوری که در کشور الف صادر و ابطال شده، در کشور ب نیز غیرقابل اجرا اعلام شود اما در کشور ج اجرا شود (نیکبخت، ۱۳۹۳: ۱۳۹-۱۴۲ و ۱۶۷-۱۶۹).

در تعاریف و دسته‌بندی‌هایی که برای رأی داوری ارائه شده است، رأی غیرقابل ابطال وجود ندارد و رأی داور تا زمانی که مهلت اعتراض به آن منقضی نشده قابل ابطال است.

۲-۳ اجرای رأی داوری

مرحله آخر داوری، اجرای رأی است و با اجرای رأی اختلاف حل می‌شود، این اجرا می‌تواند به طریق اختیاری یا اجباری انجام شود.

قصد ضمنی طرفین در زمان نگارش قرارداد داوری، این است که رأی داور مورد اعتمادشان را قاطع اختلافات خود قرار دهند و به صورت اخلاقی متعهد شده‌اند که محکوم‌علیه رأی صادره را با اراده خود به صورت اختیاری اجرا کند (Garnett, 2021: 337-347) هرچند این اجرا با طیب خاطر و اشتیاق همراه نباشد اما اگر به این تعهد اخلاقی عمل نشود، قانون‌گذار برای اجرای آن سازوکار اجرای اجباری را پیش‌بینی کرده است؛ ماده ۴۸۸

قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۳۵ قانون داوری تجاری بین‌المللی، همسو با این قصد مشترک طرفین، اجرای اختیاری رأی داور را مقدم بر اجرای اجباری آن دانسته‌اند و محکوم‌علیه ملزم به اجرای رأی داور بدون لزوم مراجعه به دادگاه است اما اگر محکوم‌علیه از این تکلیف سر باز زند، محکوم‌له محق در مراجعه به دادگاه جهت اجرای اجباری رأی از طریق اجرای احکام دادگستری است (نیکبخت، ۱۳۹۳: ۱۴-۱۷)؛ به عبارت دیگر اجرای اختیاری رأی، تکلیف محکوم‌علیه است (Cyrol, 2020:179-182) اما اگر محکوم‌علیه به این تکلیف عمل نکند نوبت به ضمانت اجرای آن یعنی اجرای اجباری به کمک دولت با صدور اجرائیه از دادگاه صالح می‌رسد.

برای امکان اجرای اجباری رأی داور، ابلاغ آن باید به‌درستی انجام شده باشد، در داوری‌های تابع قانون آیین دادرسی مدنی، در صورتی که توافقی میان طرفین نباشد ابلاغ مطابق ماده ۴۸۵ قانون مذکور از طریق دفتر دادگاه صالح انجام می‌شود و داور باید رأی خود را قبل از انقضای مدت داوری به آن دادگاه تسلیم نماید؛ در داوری‌های تابع قانون داوری تجاری بین‌المللی نیز بر اساس بند ۴ ماده ۳۰ قانون مذکور پس از امضای رأی، رونوشت آن باید به هریک از طرفین ابلاغ شود و اگر طرفین نحوه ابلاغ را تعیین نکرده باشند داور می‌تواند نحوه و مرجع ابلاغ را مشخص کند^۱ و مطابق آن، اوراق داوری (از جمله رأی صادره) را برای طرفین ارسال دارد. اگر داوری سازمانی باشد، ابلاغ مطابق مقررات سازمان داوری انجام می‌شود.

درخواست اجرا مطابق عهدنامه ۱۹۸۵ نیویورک در خصوص شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی که کشور ایران در سال ۱۳۸۰ به آن پیوست نیز امکان‌پذیر است و همراه با درخواست اجرا باید اصل مصدق رأی داوری یا نسخه گواهی شده آن و اصل یا نسخه گواهی شده توافقی‌نامه داوری و در صورت لزوم ترجمه آن‌ها به دادگاه ملی محل اجرا ارائه شود.^۲

^۱ ماده ۳ قانون داوری تجاری بین‌المللی.

^۲ ماده ۴ عهدنامه. برای مطالعه بیشتر ببینید نیکبخت، حمیدرضا (۱۳۹۳) شناسایی و اجرای آرای داوری‌ها در ایران. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی. چاپ دوم.

۴- اثر قرارداد داور بر ابطال و اجرای رأی

حال که داور تکلیف قانونی به صدور رأی غیرقابل ابطال یا قابل اجرا ندارد آیا می‌تواند با انعقاد قرارداد، داور خود را متعهد به صدور رأی قابل اجرا نماید؟

همان‌طور که گفته شد، انعقاد قرارداد داوری ضروری نیست و داور به‌صرف قبول داوری، مکلف به صدور رأی می‌شود اما ممکن است طرفین با داور قرارداد انجام داوری منعقد کرده و از او بخواهند صدور رأی قابل اجرای اجباری را تضمین یا تعهد کند، در نگاه نخست ممکن است تصور شود کلیت چنین تعهدی با قوانین و مقررات آمره مغایرتی ندارد و ذیل ماده ۱۰ قانون مدنی صحیح است اما از آنجاکه اجرای رأی به طریق اختیاری در اختیار محکوم‌علیه و اجرای اجباری رأی نیز در اختیار دادگاه است، تعهد داور به اینکه رأی ابطال نشود و دادگاه برای آن اجرائیه صادر کند تعهد به امر خارج از اختیار و توان او بوده و انجام آن نامقدور است لذا مستند به ماده ۲۳۲ قانون مدنی این تعهد باطل است بدون آنکه بطلان آن به قرارداد داور سرایت کند اما بر اساس ماده ۲۳۹ قانون مدنی، متعهد له حق فسخ قرارداد داور را دارد. متعهد قابلیت اجرای اجباری رأی، داور و متعهد له آن تا قبل از صدور رأی، به‌صورت بالقوه هر یک از طرفین داوری و پس از صدور رأی، محکوم‌له است؛ درج چنین تعهدی، حق فسخ قرارداد داور را به متعهدله می‌دهد اما این فسخ اثری بر قرارداد داوری و تکلیف قانونی داور به رسیدگی و صدور رأی ندارد مگر اینکه طرفین مطابق ماده ۴۸۱ قانون آیین دادرسی مدنی داوری را با توافق کتبی از بین ببرند تا اختلاف در صلاحیت مرجع قضایی قرار گیرد یا مطابق ماده ۴۷۲ قانون مذکور داور را عزل و به مأموریتش خاتمه دهند.

در صورتی که طرفین باهدف صدور رأی قابل اجرا، وصف حقوق دان بودن را بدون تضمین نتیجه (اجراشدن رأی) برای داور قید کنند اما داور مرضی‌الطرفین منتخب یا داور

منصوب‌شده توسط مقام ناصب^۱، حقوق‌دان نباشد (مدرک کارشناسی حقوق نداشته باشد)، اگر داوری از نوع تجاری بین‌المللی باشد امکان جرح داور بر اساس ماده ۱۲ قانون داوری تجاری بین‌المللی فراهم است.

۵- حقوق و تکالیف داور در ابطال و اجرای رأی

همان‌طور که گفته شد، داور اخلاقاً متعهد به حداکثر تلاش برای صدور رأی قابل اجرای اجباری است اما اجرای اجباری رأی داور تابع تصمیم دادگاه است لذا نباید داور را در مرحله اجرا و ابطال بی‌حق دانست.

بر اساس ماده ۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، یکی از شرایط اقامه دعوی، درخواست شخص ذی‌نفع است؛ آیا داور می‌تواند اجرای رأی صادره را تقاضا کند؟ ماده ۴۸۸ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر داشته: «هرگاه محکوم‌علیه تا بیست روز بعد از ابلاغ، رأی داوری را اجرا ننماید، دادگاه ارجاع‌کننده دعوا به داوری و یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد مکلف است به درخواست طرف ذی‌نفع طبق رأی داور برگ اجرایی صادر کند». برخلاف ماده ۲ که واژه ذی‌نفع را مقید به شخص کرده، ماده ۴۸۸ آن را به واژه طرف مقید کرده است؛ شخص ذی‌نفع اعم است از طرف دعوا و هر شخصی اعم از حقیقی یا حقوقی که دارای نفعی در موضوع باشد و بتواند اقامه دعوا کند اما درخواست اجرای رأی داور بر اساس ماده ۴۸۸ تنها از طرف ذی‌نفع پذیرفته می‌شود و منظور از طرف، کسی است که طرف داوری بوده و نسبت به او رأی صادرشده باشد لذا داور که صادرکننده رأی است طرف داوری محسوب نشده و نمی‌تواند تقاضای اجرا کند؛ وظیفه داور برای اجرایی شدن رأی صادره تسلیم رأی به دفتر دادگاه مطابق ماده ۴۸۵ قانون آیین دادرسی مدنی است.

باوجوداینکه داور از طرفین داوری نبوده و فقط صادرکننده رأی است، خواهان ابطال رأی داوری می‌تواند داور را نیز خواننده دعوی ابطال قرار دهد و در این صورت داور می‌تواند در

^۱ اعم از مقام ناصب تعیین شده توسط طرفین مطابق تبصره ماده ۴۵۶ قانون آیین دادرسی مدنی یا دادگاه مطابق مواد ۴۵۹ و ۴۶۰ قانون مذکور.

دادگاه حاضر شده و از رأی خود دفاع کند اما در صورتی که خواهان در زمان تقدیم دادخواست، داور را طرف دعوا قرار نداده باشد، مطابق ماده ۱۳۵ قانون آیین دادرسی مدنی هریک از اصحاب دعوا می‌توانند تا پایان جلسه اول دادرسی داور را جلب ثالث کنند، چه دعوا در مرحله نخستین باشد یا تجدیدنظر در این صورت بر اساس ماده ۱۳۹ قانون مذکور داور که به‌عنوان شخص ثالث جلب می‌شود نیز خوانده محسوب و تمام مقررات راجع به خوانده درباره او جاری است و می‌تواند از رأی صادره دفاع کند؛ علاوه بر این در جایی که ابطال رأی داور، موجبات مسئولیت داور را فراهم کند (تقی‌پور، ۱۳۹۳) باید حق دفاع از رأی صادره برای داور با ورود ثالث بر اساس ماده ۱۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی نیز فراهم باشد تا بتواند از فراهم شدن موجبات مسئولیتش جلوگیری کرده و اثبات نماید وظیفه خود را به‌درستی انجام داده است. علاوه بر این ابطال رأی می‌تواند منجر به خدشه‌دار شدن اعتبار حرفه‌ای داور شود که زیان معنوی محسوب می‌شود (میرشکاری؛ باغستانی، ۱۴۰۴:۳۸۳).

۶- تکلیف داور پس از ابطال رأی

آیا توافق بر ارجاع به داور فقط شامل یک‌مرتبیه رسیدگی و صدور رأی است یا با طی شدن فرایند داور و صدور رأی، در صورت ابطال رأی صادره، شرط داور همچنان معتبر است و رسیدگی مجدد توسط داور میسر است؟

اگر طرفین به تکرار یا زوال شرط داور پس از صدور و ابطال رأی بدین صورت تصریح نموده باشند که در صورت صدور رأی توسط داور و ابطال آن، داور مجدداً صلاحیت رسیدگی به موضوع و صدور رأی برای بار دوم یا بیشتر را دارد یا بالعکس مقرر داشته باشند که صلاحیت داور فقط برای یک‌بار صدور رأی است و در صورت ابطال رأی، داور صلاحیتی برای رسیدگی مجدد ندارد، ابهامی وجود نداشته و مطابق توافق طرفین عمل می‌شود اما اگر شرط داور در این خصوص مطلق بوده و توافقی در این خصوص نداشته باشد پس از ابطال رأی داور، داور چه حق و تکلیفی برای صدور مجدد رأی دارد (Hoebeke, 2021 : 17-).

(41).

قصد ضمنی طرفین ممکن است با بررسی نحوه نگارش قرارداد ارجاع اختلاف به داوری کشف گردد، در این خصوص دو حالت متصور است: ۱- طرفین برای حل اختلاف ملزم به مراجعه به داور شده‌اند ۲- طرفین صلاحیت حل اختلاف را به داور داده‌اند؛ می‌توان گفت در حالت اول قصد طرفین یک‌بار مراجعه به داور و صدور رأی است اما در حالت دوم تا زمانی که اختلاف حل نشود، طرفین رسیدگی را در صلاحیت داور قرار داده‌اند.

مطابق بند ۴ ماده ۳۴ قانون داوری نمونه آنسیترال اختیار داور با صدور رأی خاتمه نیافته و در صورتی که دادگاه مقتضی بداند و یک‌طرف درخواست نماید می‌تواند به دیوان داوری فرصتی دهد تا رسیدگی داوری را از سر بگیرد یا موجبات ابطال را برطرف و رأی جدید صادر نماید (Al Hyari, Al Ani, 2021: 5-6). این امر قابلیت است برای جلوگیری از ابطال آرای صادره پیش از ابطال اما بعد از ابطال رأی، داوران اختیاری برای رسیدگی مجدد و صدور رأی در موضوع ندارند (Wong, Seah, 2015: 1)؛ در مقابل، برخی دیگر معتقدند داوری یک فرایند است و این فرایند تا وقتی اختلاف باقی باشد و حل نگردد ادامه دارد (Shankar, Nachiar, 2019: 2).

ماده ۴۹۱ قانون آیین دادرسی مدنی به این موضوع پرداخته و مقرر داشته: «چنانچه اصل دعوا در دادگاه مطرح بوده و از این طریق به داوری ارجاع شده باشد، رسیدگی به دعوا تا قطعی شدن حکم بطلان رأی داور متوقف می‌ماند. تبصره- در مواردی که ارجاع امر به داوری از طریق دادگاه نبوده و رأی داور باطل گردد، رسیدگی به دعوا در دادگاه با تقدیم دادخواست به عمل خواهد آمد» مفهوم مخالف این ماده این است که پس از قطعی شدن حکم بطلان رأی داوری، دادگاه رسیدگی به موضوع را ادامه می‌دهد و شرط داوری خاتمه یافته است (معراج، ۱۴۰۰: ۱۰۱) و در صورتی که دعوا سابقه طرح در دادگاه نداشته و طرفین از ابتدا به داوری رفته باشند برای رسیدگی به موضوع باید دادخواست به دادگاه تقدیم گردد.

در مقابل گفته شده است ماده ۴۹۱ قانون آیین دادرسی مدنی و تبصره آن دلیل برای زوال شرط داوری نیست چون این ماده درصدد بیان نحوه اقامه دعوا در دادگاه پس از ابطال داوری است نه ضرورت اقامه دعوا در دادگاه به علت زوال شرط داوری لذا داور می تواند مجدداً به موضوع رسیدگی نماید مگر اینکه مانع دیگری وجود داشته باشد که در این صورت مطابق تبصره ماده ۴۹۱ اقامه دعوا در دادگاه نیازمند تقدیم دادخواست است و دادخواست ابطال رأی داوری تکلیفی برای رسیدگی ماهوی به موضوع اختلاف برای دادگاه ایجاد نمی کند؛ یکی از موارد ابطال که رسیدگی را در صلاحیت دادگاه قرار می دهد موردی است که رأی صادره به علت بی اعتباری قرارداد داوری ابطال شده باشد (Hokhoyan, 2019: 6-7). همچنین در صورتی که طرفین، شخص معینی را به عنوان داور انتخاب نموده و انجام داوری را به آن شخص مقید کرده باشند اما آن شخص نخواهد یا نتواند داوری را انجام دهد، مطابق ماده ۴۶۳ قانون آیین دادرسی مدنی رسیدگی در صلاحیت دادگاه قرار می گیرد (واحدی، ۱۳۷۷: ۷-۱۰) اما اگر علت ابطال رأی، مخالفت با قوانین موجد حق یا اسناد رسمی، صدور رأی خارج از مهلت، موضوع یا اختیار باشد، منعی جهت رسیدگی مجدد داور وجود ندارد (عزیزیانی، ۱۴۰۱: ۱۱۷-۱۱۹).

در فرضی که شرط داوری پس ابطال رأی معتبر باقی بماند و داور صادرکننده رأی، صالح به رسیدگی مجدد باشد آیا مکلف به رسیدگی مجدد نیز هست؟ داور تا قبل از قبول داوری تکلیفی برای رسیدگی به اختلاف و صدور رأی ندارد اما پس از قبول، مکلف به رسیدگی است به طوری که ماده ۴۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی برای عدم انجام آن مسئولیت مدنی و حرفه ای در نظر گرفته اما آیا این تکلیف و ضمانت اجرای آن تنها برای یک مرتبه رسیدگی و صدور رأی است یا شامل رسیدگی مجدد پس از ابطال رأی نیز می شود؟ به نظر می رسد در جایی که داور با اطلاع از اینکه طرفین او را برای رسیدگی مجدد نیز صالح دانسته اند، داوری را بدون قید و شرط قبول می کند مکلف به رسیدگی مجدد نیز هست اما اگر از توافق

طرفین بر صلاحیت داور برای رسیدگی مجدد مطلع نباشد یا با اطلاع از آن اعلام کند که دآوری را فقط برای یک مرتبه صدور رأی قبول می‌کند تکلیفی برای رسیدگی مجدد ندارد.

۷- مسئولیت داور نسبت به ابطال یا عدم اجرای رأی

به‌طور کلی چهار نوع مسئولیت برای داور متصور است:

۱-۷ مسئولیت کیفی

داور در مقام رسیدگی به اختلافات طرفین، ممکن است در قبال اخذ وجهی، به نفع یکی از آن‌ها رأی بدهد؛ برای پیشگیری و برخورد با این موارد ماده ۵۸۸ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی مقرر داشته: «هریک از داوران، ممیزان و کارشناسان اعم از اینکه توسط دادگاه معین شده باشد یا توسط طرفین، چنانچه در مقابل اخذ وجه یا مال به نفع یکی از طرفین اظهار نظر یا اتخاذ تصمیم نماید به حبس از شش ماه تا دو سال یا مجازات نقدی از سه تا دوازده میلیون ریال محکوم و آنچه گرفته است به‌عنوان مجازات مؤدی به نفع دولت ضبط خواهد شد.» این مسئولیت تنها در فرض دریافت اخذ وجه یا مال است و به‌صرف ابطال رأی برای داور ایجاد نمی‌شود.

۲-۷ مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی داور در سه ماده در قانون آیین دادرسی مدنی و قانون مسئولیت مدنی مورد تصریح قرار گرفته است؛ ماده ۵۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر داشته: «هرگاه در اثر تدلیس، تقلب یا تقصیر در انجام وظیفه داوران ضرر مالی متوجه یک طرف یا طرفین دعوا گردد، داوران برابر موازین قانونی مسئول جبران خسارت وارده خواهند بود»، مسئولیتی که مطابق این ماده برای داور ایجاد می‌شود تنها نسبت به ضرر مالی است و تحقق آن نیز مشروط به این است که ضرر مذکور ناشی از تدلیس، تقلب یا تقصیر داور باشد لذا خواهان باید تدلیس، تقلب یا تقصیر داور در رسیدگی که موجب ابطال رأی شده، ورود

ضرر مالی و رابطه سببیت میان آن‌ها را اثبات نماید لذا مجرای اعمال این ماده بسیار محدود و مانند قاضی دادگاه است که در حکمی مشابه مطابق اصل ۱۷۱ قانون اساسی در صورت تقصیر در تشخیص موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ملزم به جبران خسارت است.

برخلاف ماده ۵۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی که بار اثبات را به عهده خواهان گذاشته، ماده ۴۷۳ این قانون در فرض عدم صدور رأی، برای داور فرض تقصیر کرده و مقرر داشته: «چنانچه داور پس از قبول داوری بدون عذر موجه از قبیل مسافرت یا بیماری و امثال آن در جلسات داوری حاضر نشده یا استعفا دهد و یا از دادن رأی امتناع نماید، علاوه بر **جبران خسارات وارده** تا پنج سال از حق انتخاب شدن به داوری محروم خواهد بود» لذا صرف استعفا، عدم حضور در جلسات یا ندادن رأی برای مقصر دانستن داور کافی بوده و نیاز به اثبات توسط خواهان ندارد و این اماره تقصیر است که برای تسهیل اثبات مسئولیت مدنی برای زیان دیده در نظر گرفته شده است (کاظمی، ۱۴۰۴: ۳۲۰) اما ممکن است داور مقصر نبودن خود را با نشان دادن عذر موجه اثبات کند؛ باوجوداین، خواهان باید ورود خسارت و رابطه سببیت میان خسارت و تقصیر مفروض داور را اثبات کند؛ وجود عذر موجه برای داور یا عزل او با توافق طرفین مانع تحقق مسئولیت مطابق این ماده است.

از ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی که قاعده عمومی مسئولیت است نیز در مسئولیت داور می‌توان استفاده کرد، این ماده مقرر داشته: «هرکس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد» لذا تعدد یا بی احتیاطی داور در ورود لطمه به طرفین که منجر به ضرر مادی یا معنوی شود موجب مسئولیت داور است اما وجود مجوز قانونی مانع تحقق این مسئولیت است لذا عذر موجه

برای استعفا، عدم حضور در جلسه یا عدم صدور رأی توسط داور مانع تحقق مسئولیت داور بر اساس این ماده نیز هست. مسئولیت داور طبق مواد فوق را می‌توان این‌گونه جمع‌بندی نمود که هرگاه داور در اثر تدلیس، تقلب، تقصیر، تعمد یا بی‌احتیاطی، موجب ورود ضرر به یکی از طرفین داوری شود، حسب مورد مسئول جبران خسارت مطابق ماده ۱۵۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی یا ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی است و بار اثبات یکی از موارد مذکور و ورود ضرر ناشی از آن بر عهده خواهان مطالبه خسارت است اما اگر داور از صدور رأی امتناع کرده، در جلسات حاضر نشود یا استعفا دهد مسئول خسارات وارده است مگر اینکه عذر موجه خود را اثبات کند.

۳-۷ مسئولیت حرفه‌ای (مجازات تبعی)

مسئولیت حرفه‌ای داور، محرومیت از انتخاب شدن به‌عنوان داور برای مدت معین (مجازات تبعی) است که در ماده ۴۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی تعیین شده و مقرر داشته: «چنانچه داور پس از قبول داوری بدون عذر موجه از قبیل مسافرت یا بیماری و امثال آن در جلسات داوری حاضر نشده یا استعفا دهد و یا از دادن رأی امتناع نماید، علاوه بر جبران خسارات وارده تا پنج سال از حق انتخاب شدن به داوری محروم خواهد بود» اما وجود عذر موجه که داور باید آن را اثبات نماید، مانع تحقق این محرومیت است و اعمال آن نیز مستلزم صدور حکم قطعی دادگاه بوده و به‌خودی‌خود اعمال نمی‌شود.^۱

۴-۷ مسئولیت قراردادی

ممکن است داور به‌صورت قراردادی مسئولیت ناشی از ابطال رأی یا عدم اجرای آن را بپذیرد و خود را در مقابل محکوم‌علیه به این صورت متعهد نماید که در صورتی که نتواند رأی صادر کند یا رأی صادره از جانب او ابطال گردد، ضرر و زیان طرف زیان‌دیده را جبران نموده یا خسارت قراردادی معینی به او بپردازد اما انعقاد قرارداد داور، امری نامتعارف بوده و درج چنین شرطی در آن نیز دور از ذهن است؛ قاعده کلی این است که در قوانین داوری ایران

^۱ ماده ۴۶۶ قانون آیین دادرسی مدنی.

و نیز بر اساس این اعتقاد که داوری یک امر ممدوح اخلاقی است اصولاً داور مسئولیت قراردادی ندارد.

ممکن است داور تعهد نموده باشد حداکثر تلاش خود را برای الزام محکوم‌علیه به اجرای تعهدش به کار گیرد بدون آنکه شخصاً ضامن اجرای آن شود، (یعنی نوع تعهد به فعل ثالث). در این صورت این تعهد مصداق عقد ضمان نبوده و نمی‌توان اجرای اصل تعهد یا خسارت عدم انجام آن را از متعهد به فعل ثالث خواست بلکه فقط می‌توان خسارت عدم انجام تعهد خودش (ایزانلو، ۱۳۸۶: ۱۴) یعنی خسارت ناشی از عدم الزام متعهد به اجرای تعهد (در داوری شامل اجرای رای نمی‌شود) را خواست و این خسارت در صورتی قابل مطالبه است که متعهد به فعل ثالث برخلاف آنچه تعهد کرده حداکثر تلاش خود را برای الزام متعهد به اجرای تعهد به کار نبرده باشد اما اگر با اعمال حداکثر تلاش، شخص ثالث تعهدش را انجام ندهد (محکوم علیه رای را اجرا نکند) اصولاً مسئولیتی متوجه متعهد به فعل ثالث (داور) نیست.

پس از صدور رأی داور در راستای تعهد خود به متقاعد کردن محکوم‌علیه برای اجرای رأی باید با محکوم‌علیه ارتباط برقرار کرده و تلاش نماید او را برای اجرای اختیاری رأی یا عدم اعتراض به آن متقاعد کند چون ممکن است محکوم‌علیه ابهاماتی در خصوص علت محکومیتش داشته باشد که همان ابهامات موجب عدم پذیرش رأی شده و مانع اجرای اختیاری رأی توسط او شود و ممکن است پس از شنیدن توضیحات داور متقاعد شود که رأی صادره را اجرا کند.

نتیجه‌گیری

داور پس از قبول داوری به حکم قانون مکلف به صدور رأی است و طرفین نیز پذیرفته‌اند رأی صادره از داور را به صورت اختیاری اجرا کنند اما اگر محکوم‌علیه آن را اجرا نکند، محکوم‌له می‌تواند اجرای اجباری رأی را از دادگاه بخواهد. ممکن است دادگاه رأی داور را اساساً باطل و غیرقابل اجرا اعلام نموده یا به درخواست محکوم‌علیه آن را ابطال کند، در این صورت محکوم‌له داوری به خواسته خود نرسیده و اختلاف طرفین حل نشده باقی است.

با بررسی قانون داوری تجاری بین‌المللی، قانون آیین دادرسی مدنی، قانون الحاق ایران به کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی و سایر مقررات قانونی، تکلیفی مبنی بر صدور رأی غیرقابل ابطال یا قابل اجرا برای داور دیده نشده است؛ می‌توان گفت رأی غیرقابل ابطال وجود ندارد و تکلیف قانونی داور صدور و تسلیم رأی در موعد قانونی است بدون آنکه ملزم به صدور رأی قابل اجرا باشد؛ داور به موجب قرارداد نیز نمی‌تواند خود را متعهد به صدور رأی غیرقابل ابطال نموده یا اجرای اجباری رأی را تضمین نماید زیرا این تعهدات نامقدور و باطل هستند.

به نظر می‌رسد، در هر صورت و بدون اینکه لازم باشد قراردادی میان طرفین و داور تحت عنوان «قرارداد داور» منعقد شود، داور به لحاظ اخلاقی و حرفه‌ای باید حداکثر تلاش خود را با حسن نیت کامل برای صدور رأی قابل اجرای اجباری بنماید و اگر با سوءنیت، تقصیر یا به عمد با نقض مقررات داوری یا اصول دادرسی فرایند داوری را به درستی پیش نبرد و رأیی غیرقابل اجرا صادر کند ممکن است موجبات مسئولیت او فراهم گردد.

مسئولیت داور یا قراردادی است یا خارج از قرارداد. آن‌طور که در متن مقاله آمد اصولاً جز در موارد استثنایی و خاص مسئولیت قراردادی برای داوری متصور نیست و خارج از این موارد استثنایی، اصولاً مسئولیت قراردادی علیه داور مسموع نخواهد بود؛ اما می‌توان

مسئولیت خارج از قرارداد مانند مسئولیت مدنی برای داور قائل شد که آن نیز دارای ارکان و شرایطی است که در مقاله بررسی شد. در دعوی مسئولیت مدنی یا مسئولیت به موجب ماده ۵۰۱ آیین دادرسی مدنی (قانون داورى ملی) اقامه شده علیه داور، محاکم نسبت به توجه یا عدم توجه دعوی به داور اظهار نظر خواهند نمود. داور به صورت بالقوه می تواند به جهت نقض احتمالی تکالیف قانونی اش مسئول باشد و این مسئولیت زمانی بالفعل شده یا مردود اعلام می شود که رسیدگی ماهوی انجام شود و در صورت عدم احراز آنها، حکم به بی حقی خواهان صادر می شود؛ بنابراین اصولاً داور نه تنها مسئولیت قراردادی نسبت به صدور رأی غیر قابل اجرا ندارد، مسئولیت قانونی او هم صرفاً همان مواردی است که در قانون داورى ملی و مسئولیت مدنی تصریح شده است و این دو وضعیت باعث می شوند که محکمه اصولاً به درخواست های خسارت علیه داور ترتیب اثر ندهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

منابع فارسی

۱. ایزانلو، محسن؛ ۱۳۸۶ «تعهد به فعل ثالث». فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال ۳۷ شماره ۱.
۲. باریکلو، علیرضا؛ خزایی، سیدعلی (۱۳۹۰) اصل حسن نیت و پیامدهای آن در دوره پیش قراردادی. مجله حقوقی دادگستری. شماره ۷۶.
۳. بختیاروند، مصطفی؛ احمدی، میترا (۱۳۹۷) انواع رأی در داوری تجاری بین‌المللی با تأکید بر حقوق ایران. مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۸.
۴. پیری، فرهاد (۱۴۰۱) راهنمای نگارش رأی داوری. انتشارات جنگل. چاپ چهارم.
۵. تقی پور، بهرام؛ (۱۳۹۳) مسئولیت داور در حقوق ایران و برخی کشورها. نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، دوره پنجم، شماره ۱.
۶. خاکپور، احمد؛ اسکینی، ربیعا؛ بهمنی، محمدعلی (۱۳۹۸). قرارداد داور. مجله حقوقی دادگستری. دوره ۸۳ شماره ۱۰۷.
۷. خورسندیان، محمدعلی؛ امیری، میلاد (۱۳۹۷). مطالعه تطبیقی تعهدات طرفین قراردادهای خدمات در حقوق ایران و اروپا. نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، دوره نهم شماره ۱.
۸. سلیمی، محسن؛ انصافی آذر، بهنام. (۱۴۰۱). قرارداد با داور. فصلنامه تحقیقات حقوقی. شماره ۹۹.
۹. عادل، مرتضی؛ توکلی، محمدمهدی، (۱۳۹۲) استقلال و بی‌طرفی داور در داوری داخلی و داوری تجاری بین‌المللی، شماره ۶۴، تهران: تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۰. عزیزبانی. مجید؛ (۱۴۰۱) اثر ابطال رأی داور بر موافقت‌نامه داوری؛ مطالعه تطبیقی حقوق ایران و کنوانسیون ایکسید. پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۲۶ شماره ۲.
۱۱. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۱) دوره مقدماتی حقوق مدنی: وقایع حقوقی-مسئولیت مدنی. شرکت سهامی انتشار. چاپ هفتم.
۱۲. کاظمی، محمود (۱۴۰۴) تأثیر رشد فناوری بر حقوق مسئولیت مدنی؛ تحول از دین مسئولیت به طلب جبران خسارت. دو فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق خصوصی؛ دوره ۲، شماره ۳- شماره پیاپی ۳ شهریور ۱۴۰۴.
۱۳. معراج، آذرگشسب (۱۴۰۰) نگاهی تطبیقی به تأثیر ابطال رأی داور بر موافقت‌نامه داوری. فصلنامه علمی تحقیقات حقوقی آزاد، تابستان، دوره چهاردهم، شماره ۵۲.

۱۴. میرشکاری، عباس؛ باغستانی، حمیدرضا (۱۴۰۴) مطالعه تطبیقی زبان معنوی درگذشتگان در حقوق اسلام و غرب. دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق خصوصی؛ دوره ۲، شماره ۳ - شماره پیاپی ۳ شهریور ۱۴۰۴.
۱۵. میرشکاری، عباس؛ سلیمی، محسن؛ (۱۳۹۷) موضوع و ماهیت تعهد داور. مطالعات حقوق خصوصی، زمستان، شماره ۴.
۱۶. نیک بخت، حمیدرضا (۱۴۰۲) داوری اختلافات مدنی بازرگانی کتاب راهنمای عمل. شرکت چاپ و نشر بازرگانی، چاپ اول.
۱۷. نیک بخت، حمیدرضا (۱۴۰۲) داوری تجاری بین‌المللی (آیین داوری). موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی. چاپ چهارم.
۱۸. نیکبخت، حمیدرضا (۱۳۸۶) جرح و خاتمه ماموریت داوران. فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۱۰(۴۶).
۱۹. نیکبخت، حمیدرضا (۱۳۹۳) شناسایی و اجرای آرای داوری‌ها در ایران. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی. چاپ دوم.
۲۰. نیکبخت، حمیدرضا؛ پیری، فرهاد (۱۳۹۲) امتناع از شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی باطل شده. مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۴۸.
۲۱. واحدی، جواد (۱۳۷۷) رسیدگی به ماهیت دعوی پس از ابطال رأی داور. "مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۲.

منابع انگلیسی

1. Al Hyari, O. H. & Al Ani, A. R. (2021). Post Award Arbitral Tribunal's Mandate under the UNCITRAL Model Law and National laws Based Thereon. Heliyon, 7(7), e07556.
2. Boog, C. & Moss, B. (2013). Arbitrability, Foreign Mandatory Law and the Lazy Myth of the Arbitral Tribunal's Obligation to Render an Enforceable Award. ASA Bulletin, 31(3).
3. Cyrol, T. (2020, March). Voluntary Enforcement of Arbitral Awards. In XVII International Research-to-Practice Conference dedicated to the Memory of MI Kovalyov (ICK 2020) (pp. 179-182). Atlantis Press.
4. Garnett, R. (2021). Estoppel and Enforcement of International Arbitration Awards. Australian Law Journal (Thomson Reuters).

5. Hoebeke, B. R., & Pueyo, J. M. S. (2021). The Impact of EU Law on Challenges, Recognition and Enforcement of International Commercial Awards. In *International Arbitration and EU Law* (pp. 17-41). Edward Elgar Publishing.
6. Hokhoyan, A. (2019). What Happens when an Award is Set Aside?
7. Koch, C. (2003). Standards and Procedures for Disqualifying Arbitrators. *J. Int'l Arb.*, 20.
8. Makarenkov, O., & Mesquita, L. V. (2024). Challenges of Legal Guarantees for the Enforcement of Arbitral Awards in International Commercial Cases.
9. Onyema, E. (2010). *International Commercial Arbitration and the Arbitrator's Contract*. Routledge.
10. Shankar, S R. & Nachiar, Y. (2019). If an Arbitration Award is Set Aside, Arbitration can be initiated again. *Law Senate*.
11. Simler, P. (1990). Les solutions de substitution au cautionnement. *JCP E*. No. 16.
12. Von Bar, C., Clive, E., Schulte-Nölke, H. (2009), *Principles, Definitions and Model Rules of European Private Law. Draft Common Frame of Reference, Outline Edition*: Mnchen Sellier European law Publisher.
13. Wong, P. & Seah, M. (2015). An Award Set Aside - The end of the Road or the beginning of a new one? A Case Note on AKN and another v. ALC and others and other Appeals [2015] SGCA 63.
14. Yap S.C. A. & Chow, I. (2015). *Challenging an Arbitral Award: Setting Aside and Consequential Orders*. Rajah & Tann Singapore.

References

1. Adel, M. (2014) Independence and impartiality of the arbitrator in domestic arbitration and international commercial arbitration. *Legal Research Quarterly*, 16(64), 191-216. (In Persian).
2. Al Hyari, O. H. & Al Ani, A. R. (2021). Post Award Arbitral Tribunal's Mandate under the UNCITRAL Model Law and National laws Based Thereon. *Heliyon*, 7(7), e07556.
3. Aziziyani, M. (2022). The Effect of Revoking the Arbitrator's Award on the Arbitration Agreement; Comparative Studying the Iranian Law and the ICSID Convention. *Comparative Law Researches*, 26(2), 99-121. (In Persian).
4. Bakhtiarvand, M., & Ahmadi, M. (2018). Different Types of Awards in International Commercial Arbitration with an Emphasis on Iranian Law. *International Law Review*, 35(58 (Spring and Summer 2018)), 273-298. (In Persian).
5. Bariklou, A., & Khazaei, S. A. (2011). The Good faith Principle and its Legal Consequences in the Pre-contractual Stage; A Comparative Study in the UK and French Law. *The Judiciarys Law Journal*, 75(76), 53-87. (In Persian).
6. Boog, C. & Moss, B. (2013). Arbitrability, Foreign Mandatory Law and the Lazy Myth of the Arbitral Tribunal's Obligation to Render an Enforceable Award. *ASA Bulletin*, 31(3).
7. Cyrol, T. (2020, March). Voluntary Enforcement of Arbitral Awards. In XVII International Research-to-Practice Conference dedicated to the Memory of MI Kovalyov (ICK 2020) (pp. 179-182). Atlantis Press.
8. Garnett, R. (2021). Estoppel and Enforcement of International Arbitration Awards. *Australian Law Journal* (Thomson Reuters).
9. Hoebeke, B. R., & Pueyo, J. M. S. (2021). The Impact of EU Law on Challenges, Recognition and Enforcement of International Commercial Awards. In *International Arbitration and EU Law* (pp. 17-41). Edward Elgar Publishing.
10. Hokhoyan, A. (2019). What Happens when an Award is Set Aside?
11. Izanloo, Mohsen. (2007). Commitment to the third act -. *Law Quarterly*, 37(1). (In Persian).

12. Katouzian, Nasser (2009) Elementary courses of Iranian civil law, Juridical facts tort liability, Enteshar Publication Co. (In Persian).
13. Kazemi, M. (2025). The impact of technological growth on civil liability (Tort Law) (Transformation from the debt of responsibility to the demand for compensation). *Research and development in private law*, 2(3), 311-344. doi: 10.22034/jpl.2025.721256. (In Persian).
14. Khakpour, A., Eskini, R., & Bahmaei, M. A. (2019). The Arbitrator's Contract The *Judiciarys Law Journal*. Volume 83, Issue 107. September 2019. Pages 1-19. (In Persian).
15. Khorsandian, M. A., & Amiri, M. (2018). A Comparative Study between European and Iranian Laws of Service Contracts. *Comparative Law Review*, 9(1), 121-146. (In Persian).
16. Koch, C. (2003). Standards and Procedures for Disqualifying Arbitrators. *J. Int'l Arb.*, 20.
17. Makarenkov, O., & Mesquita, L. V. (2024). Challenges of Legal Guarantees for the Enforcement of Arbitral Awards in International Commercial Cases.
18. Meraj, Azargoshasb. (2021) the effect of annulment of the arbitrator's award on the arbitration agreement. *International Legal Research*. Issue 52 Vol. 14 autumn 2021. (In Persian).
19. Mirshekari, A. and Salimi, M. (2018). THE ISSUE AND NATURE OF ARBITRATOR'S OBLIGATION. *Law Quarterly*, 48(4), 743-759. Doi: 10.22059/jlq.2018.254382.1007016. (In Persian).
20. Mirshkari, A. and Baghestani, H. (2025). Comparative Study of the Moral Damage of the Deceased in Islamic and Western Law. *Research and development in private law*, 2(3), 380-417. doi: 10.22034/jpl.2025.2053819.1194. (In Persian).
21. Nikbakht, H. R. and Piri, F. (2013). Refusing Recognition and Enforcement of Annulled Foreign Arbitral Awards. *International Law Review*, 30(48), 7-34. Doi: 10.22066/cilamag.2013.16344. (In Persian).
22. Nikbakht, Hamidreza (2015) Recognition and Enforcement of arbitral awards in Iran, the institute for trade studies and research. (In Persian).

23. Nikbakht, Hamidreza (2023) Handbook on arbitration, Civil commercial differences. Commercial Printing & publishing Co. (In Persian).
24. Nikbakht, Hamidreza (2023) International commercial arbitration (arbitration procedure), the institute for trade studies and research. (In Persian).
25. Nikbakht, Hamidreza. (2007). Dismissal and termination of the arbitrators' mandate. Legal Research Quarterly, 10(46), 45-74. (In Persian).
26. Onyema, E. (2010). International Commercial Arbitration and the Arbitrator's Contract. Routledge.
27. Piri, Farhad (2022) Guide to Writing an Arbitration Award. Jangal Publication. (In Persian).
28. Salimi, M., & Ensafi Azar, B. (2022). arbitrator's contract. Legal Research Quarterly, 25(99), 417-437. (In Persian).
29. Shankar, S R. & Nachiar, Y. (2019). If an Arbitration Award is Set Aside, Arbitration can be initiated again. Law Senate.
30. Simler, P. (1990). Les solutions de substitution au cautionnement. JCP E. No. 16.
31. Taghipour, B. (2014). Liability of arbitrators in the law of Iran and some countries. Comparative Law Review, 5(1), 57-85. (In Persian).
32. Vahedi, J. (1998). Consideration of the merits of the claim after the annulment of the arbitrator's award. *The Judiciarys Law Journal*, 62(22), 7-10. (In Persian).
33. Von Bar, C., Clive, E., Schulte-Nölke, H. (2009), Principles, Definitions and Model Rules of European Private Law. Draft Common Frame of Reference, Outline Edition: Mnchen Sellier European law Publisher.
34. Wong, P. & Seah, M. (2015). An Award Set Aside - The end of the Road or the beginning of a new one? A Case Note on AKN and another v. ALC and others and other Appeals [2015] SGCA 63.
35. Yap S.C. A. & Chow, I. (2015). Challenging an Arbitral Award: Setting Aside and Consequential Orders. Rajah & Tann Singapore.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی